

## قحطی در سومالی و قحطی در ایران

سومالی کشوری است در شرق آفریقا مجاور خلیج عدن و اقیانوس هند در بخشی که شاخ آفریقا نام گرفته، ۶۳۷/۶ کیلومتر مربع مساحت و ۸/۵ میلیون نفر جمعیت دارد. این کشور تا سال ۱۹۶۰ مستعمره انگلیس بوده و از سال ۱۹۹۱ با اخراج محمد زیاده باره دچار کشمکش‌ها و خشونت‌ها و جنگ‌های داخلی است و در حال تجزیه شدن و تقسیم شدن بین نظامیان و گروه‌های منزوی و وایسگرا می‌باشد. به همین جهت سومالی فاقد دولت مرکزی رسمی و شناخته شده بوده و حاکمیتی نیم‌بند و متزلزل دارد.

سومالی دارای آب و هوای گرم و باران‌های غیرمنظم است و با خشک سالی‌های مکرر، کشاورزی آن که مهمترین فعالیت اقتصادی این کشور و ۴۰ درصد از درآمد سرانه آن را تشکیل می‌دهد دچار بحران گردیده و در نتیجه زمین‌های زراعی خشک شده و از بین رفته و بسیاری از دام‌ها نیز در اثر بی‌آبی و بی‌غذایی تلف شده‌اند. در اثر خشکسالی و نبودن دولت مرکزی منسجم، سومالی دچار قحطی شده و در اثر نبودن نان و مواد غذایی هزاران کودک و سالمند در ۵ ماه اخیر به علت گرسنگی درگذشته‌اند. اما ایران کشوری است در منطقه مهم و استراتژیک خاورمیانه با یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار کیلومتر مربع مساحت و بیش از هفتاد میلیون نفر جمعیت و دارای ۱۵ درصد از ذخایر انرژی کل جهان، با تاریخ و تمدنی درخشان، با آب و هوای متنوع و محصولات مختلف، و از نظر مواد غذایی دچار قحطی نیست ولی شکل‌های دیگر قحطی در ایران فراوان است. در سرزمین ایران باران «آزادی» نمی‌بارد و خشکسالی آزادی و حقوق بشر و حشتناک است. در ایران در جوبسته و مختنق، فکر و اندیشه ی میلیون‌ها نوجوان و جوان ایرانی می‌پژمرد، و خلاقیت و شکوفایی در آنها می‌میرد. قحطی حقوق بشر جسم و جان ملت ایران را می‌آزرد. مردم ایران گرسنه و تشنه‌اند. تشنه آزادی و گرسنه حقوق انسانی. در ایران قحطی آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، آزادی احزاب برای جهانیان آشکار است.

فقدان آزادی انتخابات در نبودن مطبوعات و احزاب آزاد و با وجود نظارت استصوابی شورای نگهبان انتصابی مانند خورشید روشن است. در ایران قحطی عدالت اجتماعی و در نتیجه اختلاف طبقاتی بیدار می‌کند. در ایران سلامت امور اقتصادی و پاک بودن قدرتمندان قحط است. انصاف دهید آیا قحطی‌های ایران کم‌اهمیت‌تر از قحطی سومالی است؟

## غم زاینده رود

خشک دیدم بستر زاینده رود  
خاطرم افسرد چون پژمرده برگ  
قطره‌های اشک بر رویم دوید  
نم‌نم باران چو شد همراز من  
رود بودی بر سپاهان همچو جان  
در غم رود اصفهان گرید که وای  
آب تا افتاده از بستر جدا  
رود را بی آب کی دیدن توان  
رود را بی آب کی باشد صفا  
رود گر و مانند از لائیش  
پل بود بشکسته دل در هجر آب  
رود و پل از هم جدا افتاده‌اند  
پل ندارد طاقت هجران آب  
مرد و زن زین ماجرا آشفته‌اند  
چون شود زرینه رود<sup>(۱)</sup> از آب پُر  
بار الاها جاودان پاینده دار

ادیب پرومند شهرپور ۱۳۹۰ خورشیدی

۱- زرینه رود نام دیگر زاینده رود است.

نویای ایران مسدود شد و ملت ایران از حرکت در جاده ترقی و تعالی بازماند.

راستی چگونه است که پس از انقلاب هیئت‌های «مرگ بر انگلیس» و «مرگ بر روسیه» از طرف قدرتمندان انقلاب مطرح نشد و به سفارت خانه آنها نیز تعرضی صورت نگرفت؟ و در مورد عوامل داخلی کودتا نیز آنچه‌ها که باید روشنگری صورت نگرفت تا آنجا که بازمانده‌های همان عوامل هنوز با وقاحت تمام صاحب ادعا هستند. راستی چرا برخی از دشمنان پنهان نگاه داشته شده‌اند؟

## جزم اندیشی (دگماتیسیم)

گرازی بیسپط زمین عقل منعدم گردد  
به خود گمان نبرد هیچ کس که نادانم (سعدی)  
برنارد شاو گوید: انسانهای گله مند، در تنها موردی که از خالق خود شکوه‌ای ندارند همانا تقسیم عقل است زیرا به باورهای خود عشق می‌ورزند و حاضر نیستند به راحتی از آن دست بکشند. حسن صباح برای قدرت‌نمایی در مقابل سفیر خلیفه، به یکی از سربازان خود دستور داد تا خودش را از فراز برج مرتفعی به پائین بیاندازد و او بلافاصله چنین کرد زیرا باورهای غلط طی زمانی طولانی در ذهن او رسوخ داده شده بود امروز نیز در کشورهای عراق و پاکستان و افغانستان هر روز شاهد ترورهای انتحاری هستیم که از شستشوی مغزها و باورهای اشباع شده در ذهن مریدانی خام و ساده و جاهل شکل می‌گیرد و عاقبت جزم اندیشی یا دگماتیسیم را نمایان می‌کند.

به گفته مولانا:

سخت گیری و تعصب خامی است/ تا جینی کار خون آشامی است

## دشمنان برخی ظاهر و برخی پنهان

سی و سه سال از انقلاب می‌گذرد و فریاد «مرگ بر آمریکا» در جامعه ما همچنان طنین انداز است و علی‌الظاهر تمام بدبختی‌ها و عقب ماندگی‌های گذشته ما ناشی از عملکرد آمریکا و انمود می‌شود. در حالی که این اوضاع و سیر قهقراپی و نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امروزی ما از آنجا شروع می‌شود که حکومت قانونی و مردمی دکتر محمد مصدق مورد تهاجم و دگرگونی توسط عوامل اجنبی مختلف از جمله آمریکا قرار می‌گیرد. ولی نباید فراموش کرد که طراح اصلی کودتای ننگین علیه دولت ملی مصدق سازمان اینتلیجنت سرویس انگلیس بوده است و طبق اسناد موقف منتشر شده پس از هماهنگی انگلیس و آمریکا برای اقدام به کودتا در ایران، ماجرا به اطلاع دولت شوری سابق رسیده و توافق آنها نیز جلب شده است. و از همه بدتر گروهی از هموطنان خود فروخته و هویت باخته ما نیز این راه سرنگونی را هموار کرده‌اند. به طور خلاصه گرچه آمریکا به ظاهر دشمن محسوب می‌شود و بعد از انقلاب سفارخانه آن به شکلی خلاف عرف و موازین حقوقی بین‌المللی بسته شد و دست‌آبادی آمریکا در ایران قطع شد ولی دست سایر عوامل کودتا و بالاخص دست انگلستان، پیراستعمار قطع نگردد و دست پنهان او در بسیاری موارد به چشم می‌خورد.

باید دانست که در آخردی ۱۳۳۰ دولت ملی مصدق سفارت خانه و تمام کنسول‌گری‌های انگلستان در سراسر ایران را به عنوان دشمن اصلی ایران تعطیل کرد ولی پس از انقلاب فقط سفارت آمریکا در ایران بسته شد و شعار مرگ بر آمریکا سکه رایج روز شد در حالی که همانطور که اشاره شد حکومت قانونی و ملی مصدق با همکاری اینتلیجنت سرویس انگلستان و سازمان سیا و توافق شوروی و همکاری خائینی که رژیم برخاسته از کودتا را بوجود آوردند سرنگون گردید و کودتای ۲۸ مرداد شکل گرفت و راه دموکراسی



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر واصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org

E-mail: hejmi85@yahoo.com